

زنان و کنفرانس « بن دوم »

نجیبه آرش

29-11-2011

دیده بان حقوق بشر ضمن اعلامیه ای که اخیراً در رسانه ها بازتاب یافته است، به نسبت احتمال کم‌رنگ بودن حضور فعالان زن در نشست کنفرانس بن « ۲ » که قرار است به تاریخ ۵ دسمبر ۲۰۱۱ در کشور آلمان برگزار شود- هوشدار داده است که: اجلاس بن « ۲ » روی سه موضوع کلیدی می‌چرخد:

۱ - انتقال مسولیت ها ی امنیتی به نیروهای نظامی افغانستان •

۲- مذاکرات احتمالی با طالبان جهت راه یابی به مصالحه •

۳- چگونگی روابط افغانستان با جامعه بین المللی پس از سال ۲۰۱۴ • این هر سه مساله مستقیماً به حیات زنان افغان موثر می‌باشد •

تشویش دیده بان حقوق بشر، جامعه مدنی، کمپاین پنجاه فیصد و کمیته ی اشتراک سیاسی زنان ، بر حق است چنانچه در نزدیکترین نشست کنفرانس ترکیه کرسی زنان افغان خالی بود و به زنان اجازه شرکت داده نشد • نباید ازین حقیقت چشم پوشید که: زنان مکمل نیمه جامعه است و بدون حضور فعال زن در اجتماع، دیموکراسی اصلاً معنی و مفهومی ندارد •

در افغانستان از سال های متمادی وضعیت حقوق زنان یکی از موضوعات بسیار حساس و قابل دقت بوده که در دوره های مختلف بر ابنای خصوصیت یک جامعه سنتی، محدودیت های عرف و سنن پدر سالاری، سهم زنان فقط در کار های امور منزل و تربیت اطفال محدود شده بود. ولی در برهه های تاریخ دیده شده که زنان شهری از قید چادری اجباری خود را نجات داده و با استعداد سرشار، به سرعت راه ترقی و تعالی را گشوده؛ سهم و نقش ارزنده ایرا در امورات کشوری و لشکری ایفاء نموده اند . گواه روشن این امر « شرکت وسیع زنان در دهه هشتاد تا اوایل نود میلادی در تمام عرصه های حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از هر لحاظ خیلی برجسته می‌باشد • که در آن دوره زنان بالغ بر شصت الی هفتاد فیصد کادر های ملی را تشکیل میداد و سهم عظیم زنان بخصوص در عرصه های آموزشی و تربیت نسل جوان کشور به تناسب مردان بیشتر بود» •

ولی متأسفانه که همه دستاورد های مردم ما که محصول سال ها رنج و زحمت بود، دشمنان مردم و کشور ما با اشکال و عناوین گوناگون ولی در ماهیت خیلی شیطانی و غیر انسانی به خاک و خون یکسان ساختند • جنگ های تنظیمی هست و بود مادی و معنوی ما را غارت نمود • تحریک سیاه طالبانی، زنان با شرف افغان را به اسارت کشیده ، دروازه های مکاتب و مراجع تحصیل را به روی زنان بستند ،

کار بیرون از منزل را حرام دانستند. در حق مادر افغان هر گونه اذیت، آزار، تحقیر، توهین، شلاق زدن و سنگسار را رواداشتند.

بعد از سقوط طالبان توسط قوای امریکا کنفرانس « بن اول» سرنوشت سیاسی کشور را تعیین نمود. ظاهرًا آهسته آهسته روزنه های امید به روی زنان ستمدیده افغان دوباره باز شد و در حدود شهرها زنان توانستند مانند سایر شهروندان از حقوق ابتدایی خود استفاده ببرند و کسب تحصیل نموده، پله های ترقی و شکوفایی را بپیمایند. بنابه درک مسولیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هر دو دوره انتخابات ریاست جمهوری کاندید دادند و همچنان در هر دو دوره انتخابات مجلس نمایندگان شرکت نمودند که تقریباً ۲۶ فیصد آرای مجلس نماینده گان را از آن خود ساختند. اکنون شرکت زنان در ادارات دولتی، وزارت زنان، در صفوف اردوی ملی، پلیس ملی، نهاد های حقوق بشر، اتحادیه های زنان تجارت پیشه، کمیته مشارکت سیاسی زنان، کمپاین ۵۰ فیصد و شرکت زنان در اکثریت رسانه های جمعی داخل کشور بطور چشم گیر دیده میشود. ولی متأسفانه به نسبت تعیین عجلانه سرنوشت سیاسی افغانستان در کنفرانس « بن اول» و روی کار آمدن یک دولت ضعیف، بیکاره، فاسد، معامله گر، سنت گرا و مرد سالار، بار دیگر چنگال خونین ارتجاع سیاه گلوی مردم و به ویژه زنان را بیرحمانه فشرد. با استفاده از همین خلا طالبان با حمایت بیدریغ و همه جانبه ی اداره استخبارات «آی. اس. آی.» پاکستان، استخبارات منطوقی و بین المللی دوباره احیا، تجهیز و تسلیح گردیدند و در طی ده سال با تکنیک های متنوع، دیپلوماسی - سیاسی، نظامی تمام نهاد های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بصورت برنامه ریزی شده کشور مارا به زانو در آوردند. با گسیل تروریستان انتحاری، ایجاد وحشت و ارباب، قتل های دسته جمعی، ترور زنجیره ای شخصیت های عالی رتبه، اختطاف کودکان، زنان، کارگران در امور بازسازی، ۰۰۰ توانستند گروهک طالبان را به حیث یک نیروی هیولای شکست ناپذیر نزد عامه ی جهان جلوه داده و برنامه های رذیلانه ی اقتصادی - نظامی منطوقی خویشرا که بیش از یک قرن در آرزویش بودند، به منصفه ی اجرا گیرند.

بنأ در اخیر، زنان و مادران آگاه افغانستان از تمام مقامات بلند پایه کنفرانس « بن ۲»، جامعه جهانی، شخصیت های اشتراک کننده و موثر، از خانم ها و مادرانی که فرزندان دلبنده و شوهران خود را در طی این مدت از دست داده اند، تقاضا میگردد که تمام کار کرد های کنفرانس « بن ۱» را بطور شفاف و روشن با وجدان پاک اخلاقی - انسانی مورد بازبینی قرار داده و به بررسی گیرند.

۱- سوال است که در مدت ده سال موجودیت قوت های نظامی جامعه جهانی در افغانستان چرا صلح پایدار محقق نشد و بر خلاف اوضاع وخیم تر شده میروند؟

۲- بیتفاوتی، عدم توجه و دلچسپی و یا چشمپوشی دولت افغانستان در زمینه محو خشونت علیه زنان، مورد انتقاد شدید (بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد) قرار گیرد. زیرا پرونده های خشونت علیه زنان در طی سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ از ششصد پرونده به ۲۴۳۵ پرونده بالغ گردیده است و قانون محو خشونت علیه زنان در دست اجرا قرار نگرفته است.

۳- کشور ما در طی ده سال یک اردوی ملی و پولیس ملی بااقتدار وبا کیفیت که بتواند از استقلال و تمامیت ارضی ما دفاع نماید ندارد.

۴- قاچاق، تولید و ترافیک مواد مخدره نیتنها کاهش نیافت، بل روزتاروز توسعه، گسترش و سیر سعودی را پیموده و یک تجارت پر زرق و برق رایگان را برای مافیای داخلی، منطقوی و بین المللی فراهم و مساعد ساخته است.

۵- از آن جایی که بار ها ادعا شده که طالبان قوت رزمی خود را در برابر نیروی نظامی افغانستان از دست داده و کاملا ضعیف شده پس چرا جامعه بین المللی اصرار میورزد که با طالبان مصالحه صورت بگیرد و حضور شان را در کنفرانس بن ۲ ضرور دانسته و از آنان دعوت بعمل میآید که مصالحه کنند. به یقین که جامعه زنان افغانستان از دعوت طالبان تاریک اندیش و دشمن آزادی شان نیتنها خوشنود نیستند، بل آینده تاریکی را در برابر این نیروی بزرگ و نیمی از پیکر اجتماع کشور مان تجسم میدهد.

اگر نظامیگران منطقوی بخصوص پاکستان گروه طالبان را تمویل و تجهیز نمینمود، آخرین میخ های نابودی ده سال قبل بر تابوت این گروهک وحشی و لشکر برونمرزی سازمان جاسوسی پاکستان کوبیده شده بود. حالا نیز اعمال ترور و انفجارات گروه نا بکار طالبان، جنگ منظم را با دولت افغانستان معنی نمیدهد. مردم مان این گروهک ددمنش و مزدور را وحشیان دستپورده ی استخبارات ها میشناسند که امروز پاکستان بصورت عریان از ایشان حمایت مینماید. شرکت طالبان جنایت پیشه در کنفرانس بن دوم، جز شرکت آی اس آی درین کنفرانس معنی دیگر نخواهد داشت. و احیانا" سهم ساختن ایشان در ساختار سیاسی - نظامی حکومت افغانستان به معنی سهم ساختن آی اس آی درین ساختار ها توجه میشود.

به فکر من تا زمانیکه پاکستان و حامیان بین المللی اش دست از حمایت گروهک وحشی طالبان نکشند و سیاست دوگانه و مرموز دولت افغانستان و جامعه جهانی شفاف، روشن و صادقانه اعلام نگردد، آمدن صلح در افغانستان نا ممکن و محال مینماید.